

## شاهنامه حکمتی !

از زمانیکه شاملو پنبه شاهنامه را زد ، سلطنت طلب ها به دست و پا افتادند که دوباره برای آن کسب حیثیت کنند، بنابراین دست به دامان دار و دست حکمت شدند ، که این کاری که شاملو با شاهنامه کرد، دیگر نامی و نشانی از شاه در سرتاسر دنیا باقی نمی ماند، و از همه مهمتر نیمچه رضا شاه آرزو به دل خواهد ماند، حکمت چی ها به آنها دل داری دادند که نگران نباشید ، شما متحد ما در راهپیمایی ها هستید، خوشبختانه ما مدتهاست که خودمان داریم شاهنامه تولید می کنیم که روی دست فردوسی زده است و آخرین بخشی که تا کنون به آن اضافه شده است خیری است که چند روز پیش در کردستان تولیدات تبلیغات ما پیش آمد که داستان هیجان انگیز و شیرینش چنین است.

درحالی که همه رهبران ، مرکزیت ، گادرها و اعضاء خود کمونیست نامیده در تخت و بارگاهشان در زورخانه های اینترنتی ، تلویزیونی ، و ارگانهای نوشتاری بی حساب و کتاب، جمعند ، صدای زنگ زورخانه بلند می شه و مرشد قصه را با نام بت مدرن حکمت شروع میکنه ، که روزی است و روزگاری ، غیر از ما خود کمونیست نامیده ها هیچ کمونیست سنتی از چریکش گرفته تا سیاسی کارش نمی تونه مثل ما شهر قصه راه بیندازه و اما داستان امشب از این قراره :

گارد جاویدان ما ببخشید آزادی ما روز یکشنبه متشکل از سه اصطلاح کمونیست های هجده ساله ، شیرخواره ، تو قنادی ، تو رحمی و سفارش داده شده به مادرانشان برای تولید، برای سفید کردن دیوها سیاه در کردستانمان با شجاعت و سرحالی آنها را محاصره کردند و دانه ، دانه به شرکت سفید گری مان فرستادند و همه را سفید و بسته بندی تحویل رهبری گارد جاویدان در انترناسیونال و سایت های اینترنتی دادند و سرحال و بشکن زنان به پایگاههای اینترنتی، تلویزیونهای امریکایی، بخش فارسی رادیو اسرائیل و نشریات از حساب در رفته مان باز گشتند.

البته نباید تصور بشه که تنها این اعضاء و کادرهای به اصطلاح کمونیست بدون حساب و کتاب مان این همه سرحال هستند ، رهبران به اصطلاح کمونیست ما هم از این کارهای سرحالی زیاد میکنند، باید تولیدات ما را بخوانید و گوش کنید و ببینید، یک چشمه دیگر را از این شاهنامه مدرن تعریف کنم ، و آن اینکه ما سرحال هستیم و کسی دیگری نمی تونه مثل ما سرحال باشه ، طبل زورخانه به صدا در میاد و مرشد با صدای بلند به همراه ضربش می خواند ، به نام منصور حکمت بت مدرن اعظم ، جانم برایتان از شاهکارهای رهبران مان بگه ، چند سال پیش رهبران به اصطلاح کمونیست مان در کردستانمان وارد مسجدی در اینترنت مان شدند و بلند گو را از دست ملای سرمایه گرفتند و شروع کردند به افشای منجلابی به اسم مذهب( البته ما با ارتجاع از نوع اسلام مخالفیم ) و در مدح مذهب مدرن برای مردم کردستان ( البته منظور روزی نامه مردم توده ای های جانی نیست ، ما چون دمکراسی نوع اسرائیلی و تونی بلری ، امریکائی را دوست داریم استثناء قائل نیستیم و مردم شامل حال همه می شه ) کاغذ سیاه کردند و بعد یک چلو کباب توی ارگان سراسریمان انترناسیونال با مردم زدند و با بدرقه میلیونی جهانی به ارگان سراسری مان انترناسیونال بازگشتند.

بنابراین سلطنت طلبان مظلوم واقع شده زیاد نگران نیمچه شاهشان نباشند که به مرور شاهنامه منصور حکمت روی دست مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد زد. اعضاء کمونیست های مدرنیت و مدنیت

صبا اسکویی